

بخش سوم : درس دهم : فلسفه در جهان اسلام (۲)

□ شیخ الرئیس فلسفه :

- حسین بن عبدالله بن سینا که در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه « شیخ الرئیس» و « حجه الحق » شهرت دارد و در اروپا او را « اویسن » و « اویسنا » و « شاهزاده اطبا » می نامند، از داناترین و پرآوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در سراسر جهان است.
- ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد.
- ابن سینا در زندگی نامه ای که برای شاگرد وفادار خود، ابو عبید جوزجانی، نگاشته مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است. در این زندگی نامه آمده است که پدر ابن سینا وی را در همان کودکی به معلم قرآن و ادب می سپارد و او چنان در آموختن قرآن و ادب پیش می رود که مردم از میزان دانشش در ده سالگی تعجب می کرده اند.
- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله ناتلی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت؛ به گونه ای که قسمت های دشوار کتاب را برای او روشن می کرد.
- مطالعات او در فقه، ریاضیات، منطق، فلسفه و طب چنان عمیق و گسترده بود که در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان را فراگرفت
- ابن سینا خود می گوید : « علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم ... با این همه، از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم. در آن زمان، شانزده سال از عمر من گذشته بود. پس، مدت یک سال و نیم دیگر نیز با جدیت به مطالعه پرداختم و بار دیگر منطق و سایر اجزاء فلسفه را دوره کردم. در این مدت، روزها و شب ها را به مطالعه و طلب علم می گذراندم. هنگام مطالعه، هر مطلبی به نظرم می آمد، مقدمات آن را می نوشتم، در آن نظر می کردم و شروط آن را منظور می داشتم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می شد. اگر در مسئله ای حیران می ماندم و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی بردم، به مسجد جامع می رفتم و نماز می گزاردم و نزد مُبدع کل، زاری و تضرّع می کردم تا آنکه بر من آشکار می گردید و شب به خانه برمی گشتم و به قرائت و کتابت مشغول می شدم و چون خواب بر من غلبه می کرد یاضعفی در خود مشاهده می کردم، تجدید قوا می کردم و باز به قرائت مشغول می شدم و بسیار بود که در خواب همان مسائل بر من مکشوف می شد.»
- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است
- ابن سینا این روش را که ارسطو پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند.
- ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدوّن و نظام مند ارائه کرد.

□ تألیفات

- ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرایی خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و فلسفه نوشت که برخی از آنها قرن ها در مراکز علمی شرق و غرب تدریس شده اند و برخی امروز هم تدریس می شوند.
- کتاب های زیر از مهم ترین آثار او هستند :

❖ قانون:

- ✓ نوعی فرهنگ نامه پزشکی است.
- ✓ از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و به زبان های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

❖ شفا:

- ✓ دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی
- ✓ مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است.
- ✓ قسمت الهیات شفا که در بردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل ترین مرجع حکمت مشائی است.
- ✓ هم اکنون در حوزه های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم ترین کتب فلسفی به حساب می آید.

❖ نجات:

- ✓ شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است.

❖ انصاف:

- ✓ دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده است .
- ✓ در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

❖ اشارات و تنبیهات:

- آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود.

❖ دانشنامه علائی:

- به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است.
- این کتاب در اصفهان و برای علاء الدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

□ طبیعت شناسی ابن سینا

- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.
- علت نام گذاری این عالم به « طبیعت » بدان جهت است که اجزاء این عالم، هرکدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک « کل » طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.
- خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشند.

- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.
- ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود)، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.
- شیخ الرئیس می گوید:
- آیا می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست.»
- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه «انما یخشی الله من عباده العلماء» تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند - می سازد.

□ حکیم اشراقی

- شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنگان دیده به جهان گشود. تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد.
- پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه های ابن سینا آشنایی کامل یافت. سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی درآمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد.
- سهروردی اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد.
- در همین دوره، مهم ترین کتاب خود «حکمه الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد.
- سهروردی در این کتاب از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند.
- روش فلسفی شیخ اشراق به ابن سینا احترام می گذاشت و از او سپاسگزاری می کرد.
- سهروردی می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند.
- سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی «حکمه الاشراق» را پایه گذاری کرد.

□ روش حکمت اشراق

- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.
- فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.
- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد.

□ دسته بندی جویندگان معرفت

- سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند:
 - آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند.
 - آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.
 - آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند.
 - آنان که هم در صُور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آیند.

□ نظر شیخ اشراق حکیم متاله

« هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست ... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند و البته مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی او راست ریاست تامه، اگرچه در نهایت گمنامی باشد. و چون ریاست واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند»

□ اشراق نور

- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را «نورالانوار» می نامد.
 - اشیاء از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.
 - هر واقعی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور.
 - تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.
- سهروردی می گوید:
- ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد.
 - همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست .
 - رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.

□ جغرافیای عرفانی سهروردی

- در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند.
- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.
 - مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.
 - در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- نور محض یا نورالانوار یادآور آیه ۳۵ سوره نور «الله نور السماوات و الارض» می باشد.
- مباحث سهروردی در عرفان و فلسفه مورد قبول برخی فقهای قشری عامه که تنها به ظواهر شریعت توجه داشته اند، واقع نمی شود. آنها از ملک ظاهر می خواهند که او را زندانی کند و به قتل برساند. ملک ظاهر که در باطن به شیخ ارادت می ورزد، چنین کاری را نمی پذیرد. فقیهان شکایت پیش پدرش، صلاح الدین، می برند و صلاح الدین دستور قتل سهروردی را صادر می کند. سرانجام، ملک ظاهر مخالف میل باطنی خود شیخ را در حلب زندانی می کند. شیخ در زندان و در ۳۶ یا ۳۸ سالگی از دنیا می رود. برخی گفته اند او را در زندان خفه کرده اند. برخی نیز گفته اند که وی را به دار آویخته اند. آنچه روشن است این است که روز جمعه آخر ذی الحجه الحرام سال ۵۸۷ جنازه او را از زندان بیرون آورده و به خاک سپرده اند.